

## میرداماد کیست؟

میرداماد سوار بر اسب در جاده جلو می رفت . شاه عباس و همراهانش کمی جلوتر بودند



میرداماد سوار بر اسب در جاده جلو می رفت . شاه عباس و همراهانش کمی جلوتر بودند . شیخ بهائی سوار بر اسب چابکی جلوتر از همه پیش می رفت .

اسب شیخ جست و خیز می کرد و سوارش محکم به زمین چسبیده بود تا زمین نخورد . میرداماد سرعت اسبش را زیادتر کرد اما اسب نمی توانست اندام سنگین او را جلو ببرد . شاه عباس می دانست میان دانشمندان هم مثل سیاستمداران ، حسادت وجود دارد . شاه به میرداماد نزدیک شد و با لیخند به شیخ اشاره کرد و گفت: "جناب میر، می بینید که این شیخ پایبند ادب نیست و بی توجه به حضور اینهمه آدم های بزرگوار از جمله جنابعالی جلوتر از همه می رود." میرداماد مقصود مودیان شاه را فهمید و پاسخ داد: "اینطور نیست، شیخ انسان دانشمند و بزرگی است و اسب او از اینکه چنین شخصی بر پشتش سوار شده از خوشحالی جست و خیز می کند و شیخ را جلوتر از همه می برد." شاه اسبش را تاخت و به شیخ بهائی رسید . شیخ گفت : " این اسب خیلی سرکش است و تا به مقصد برسیم مرا بیچاره می کند."

شاه مودیان گفت: " علتش این است که شما لاغر هستید و به اندازه کافی بر پشت اسب فشار نمی آید، درست بر عکس میرداماد که با جثه سنگینش، اسب را خسته می کند. شاه ادامه داد: "تا جایی که من دیده ام، متفکران در غذا خوردن قناعت می کنند و به همین علت لاغر هستند ، مثل جنابعالی ، ولی میرداماد ، آن قدر در خوردن حریص است که چنین جثه ای دارد

شیخ آهی کشید و گفت: "این طور نیست، میر فقط در اندوختن دانش حرص می زند و بزرگی جثه او مادرزادی است و ربطی به پرخوری ندارد . و اسب او به علت حمل وجودی گرانقدر که کوهها هم تحمل سنگینی دانش او را ندارند خسته شده است."

شاه عباس که متوجه اعتماد متقابل دو دانشمند شد به فکر فرو رفت .

### زندگی نامه میرداماد

پدرش شمس الدین محمد با دختر محقق کرکی علی بن عبدالمعالی ازدواج کرد و به همین علت به داماد معروف شد و پس از آن لقب در خانواده او موروثی شد و پسرش هم میرداماد نامیده شد . اسمش میر محمد باقر استرآبادی و دانشمند بزرگ دوران صفویه است . در اصفهان زندگی می کرد و مورد احترام شاه عباس اول بود . از شاگردان او باید ملاحظه نام برد . دو کتاب ( صراط المستقیم ) و ( کشف الحقایق ) در حکمت و به عربی است و فهم آن بسیار سخت است . در سال 1041 ه. ق در سفر به نجف درگذشت و همان شهر به خاک سپرده شد . امروزه یکی از خیابانهای تهران به نام این دانشمند بزرگ نامگذاری شده است .

### زندگی نامه شیخ بهائی

محمد بن حسین عاملی در سال 953 ه. ق در شام متولد شد و در کودکی به ایران آمد . در ریاضی و نجوم به استادی رسید و به شیخ بهائی مشهور شد . دو مثنوی به نام ( شیرو شکر ) و ( نان و حلوا ) دارد . کتاب ( کشکول ) شامل حکایت و مثال های گوناگون است .

کتابهای او ( جامع عباسی ) و دو کتاب ( خلاصه الحساب ) و ( تشریح افلاک ) به عربی است . او 88 رساله و کتاب از خود باقی گذاشت .

در سال 1031 در سن 87 سالگی در گذشت .